

بچه های مسجر

ماهنامه کودک و نوجوان - سال اول، فروردین ۹۵ - شماره ۱



بچه‌های مسجد

۳	امامان خوبی
۴	امام رضا علیه السلام و اسراف کاران
۶	درسی از کوه
۷	غذای پهلوان‌ها
۸	حافظ نوجوان
۱۰	بزرگ مرد کوچک
۱۲	دوپرنده
۱۳	مواظب جریمه خدا باش
۱۴	دستاوردهای نظامی ایران اسلامی در سال ۹۴
۱۵	طلاشدن‌شن‌ها
۱۶	می‌روم حلیم‌بخرم
۱۸	حسود، هرگز نیاسود
۱۹	جدول

حافظ نوجوان

صفحه ۸



دوپرنده

صفحه ۱۲



می‌روم حلیم‌بخرم

صفحه ۱۶



صاحب امتیاز : مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان
مدیر مسئول : معاونت آموزش و پژوهش امور مساجد خراسان

سر دبیر : محمد صادق متقی پیشه

دبیر تحریریه : محمد ثامن

همکاران این شماره :

حسین نور الدینی، مجید خطبایی، دانیال راد

فاطمه کشکویی، لیلا جوانمردی

صفحه آرایی : محمد نظری دانشمند

تصویر گر : خانم مهرور حسن آبادی

با تشکر از بنیاد بینش و رویش

عنوان: بچه‌های مسجد

پدید آور : بنیاد بینش و رویش

مشخصات ظاهری : ۲۰ صص مصور رنگی

یادداشت : گروه سنی ج

موضوع : دین، کودک و نوجوان

ناشر : مشهد، انتشار مهر ۱۳۸۷

رده بندی دیویی :

۲۰۷/۳۵۳۰۷۳ ۱۳۲۴ ۱۳۷۸

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۹۵۰-۳-۲

تلفن : ۰۵۱۳۲۲۸۱۷۴۶

سایت : www.masjedkh.ir

پست الکترونیک : info@masjedkh.ir

سامانه پیامک : ۳۰۰۰۸۴۱۲

تیراژ : ۲۰,۰۰۰ عدد





امامان خوبی

بیمارستان شلوغ شده بود. پرستارها این طرف و آن طرف می‌دویدند و دکترها مشغول معاینه پسر کوچولویی بودند که بی‌حال روی تخت افتاده بود. چند خانم پشت در اتاق گریه می‌کردند. من که با مادرم برای عیادت یکی از فامیل‌ها به بیمارستان رفته بودیم از خانمی که گریه می‌کرد پرسیدیم: چی شده؟

خانم گفت که این بچه سرطان دارد و امروز حالش خیلی بد شده و دکترها از او قطع امید کرده‌اند، مادرش خیلی بی‌تابی می‌کند ولی پدرش رفته حرم حضرت رضا علیه السلام برای توسل و دعا کردن. یک هفته بعد که به بیمارستان رفتیم، همان پسر کوچولو کاملاً سالم و سرحال در حال مرخص شدن از بیمارستان بود.

کتاب خدای مهربون صفحه ۷

امام رضا علیه السلام و اسراف کاران؟؟!

نسیم خنکی می‌وزید. گنجشک‌ها روی درخت بزرگ بلوط سرو صدا می‌کردند. چند نفر از آشنایان مهمان امام رضا علیه السلام بودند. امام از اتاق بیرون آمد. دقایقی گذشت. مهمان‌ها منتظر برگشتن امام بودند و از دیر کردن ایشان نگران شدند. یکی از دوستان جوان که از لای در متوجه آمدن امام شد، بیرون آمد.

- سرورم! چرا داخل نمی‌شوید؟ چیزی شما را ناراحت کرده؟

امام سیب نیم‌خورده‌ای را نشان داد و گفت:

این میوه را چه کسی این‌گونه خورده؟

مرد جوان صدایش را بلند کرد:

این میوه نیم‌خورده کیست؟

مهمان‌ها از اتاق بیرون آمدند. مرد جوان سیب نیم‌خورده را از امام گرفت و باز حرفش را تکرار کرد. یکی از مهمانان دست بر سینه گذاشت و گفت: مولایم! از شما عذر می‌خواهم، این سیب را من خورده‌ام.

امام رو به او کرد و فرمود:

چرا اسراف می‌کنی؟ چرا قدر نعمت‌های خدا را نمی‌دانی و به آن بی‌اعتنایی، مگر نمی‌دانی که خدا اسرافکاران را به سختی عذاب می‌دهد؟

امام با مهمانان به اتاق برگشت. وقتی همه نشستند، امام رو به آن‌ها فرمود:

دوستان من! وقتی به چیزی نیاز ندارید،

بیهوده آن را تلف نکنید، اگر خودتان به

آن احتیاج ندارید به کسی بدهید

که به آن نیازمندست.



خالق کل دنیا
که داده کلی نعمت
هر چی داریم از اونه
اندازه داره عزیز
حدی و قدی داره
کارش خیلی بد می شه
خودش یه جور گناهه
از ریخت و پاش بیرهیز
خدا دوشش نداره

خدای خوب یکتا
از روی لطف و رحمت
همون که مهربونه
گفته به ما که هر چیز
هر چیزی حدی داره
وقتی از اون رد می شه
اسراف چه اشتباهه
خدا میگه ای عزیز
هرکی که اسراف کاره

برگرفته از مقصود نعیمی ذاکر / نشر لک لک



درسی از کوه؟!!

حسین همراه پدرش در کوهی سرسبز و زیبا قدم می زد که ناگهان پایش به سنگی گیر کرد
به زمین افتاد و داد کشید: آآآ
صدایی از دور دست آمد: آآآ
با کنجاوی فریاد زد: کی هستی؟

پاسخ شنید: کی هستی؟
حسین خشمگین شد و فریاد زد: ترسو
باز پاسخ شنید: ترسو

با تعجب از پدرش پرسید: چه خبر است؟
پدرش لبخندی زد و گفت پسرم توجه کن و
بعد با صدای بلند فریاد زد: تو یک قهرمان
هستی.

صدا پاسخ داد: تو یک قهرمان هستی.
حسین خیلی خیلی تعجب کرد. پدرش توضیح داد
که این انعکاس کوه است، ولی این در حقیقت
انعکاس زندگی است. هر چیزی که بگویی یا انجام
دهی زندگی همان را به تو جواب می دهد.
خداوند متعال در کتاب هدایت انسان ها چنین می
فرماید: اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می کنید و
اگر بدی کنید باز هم به خود می کنید^۱.

.....
(۱) إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا
(آیه ۷ سوره اسراء)



غذای پهلوان ها!!!؟

* شیر برای ناخن‌ها، دندان‌ها و موها لازم است. چون کلسیم فراوان دارد، باعث قوی شدن استخوان‌ها و دندان‌ها و رشد سریع موها می‌شود.

* مصرف روزانه شیر به همراه میوه‌ها و سبزیجات، هم در بچه‌ها و هم در بزرگسالان باعث کاهش فشار خون می‌شود.

* کودکانی که روزانه شیر مصرف می‌کنند از کودکانی که علاقه‌ای به خوردن شیر ندارند باهوش‌ترند.

* مصرف روزانه شیر در دوران کودکی و نوجوانی از پوکی استخوان جلوگیری می‌کند.

دوران نوجوانی یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین دوران زندگی به حساب می‌آید، چرا که در این سن کودک شروع به رشد می‌کند و همچنین از لحاظ روحی و روانی نیز دچار تغییرات زیادی می‌شود، به همین علت تغذیه نقش مهمی را در این سن ایفا می‌کند. دوستان عزیزم، شیر یکی از بهترین نوشیدنی‌هایی است که خواص بسیاری دارد؛ مهم‌ترین خواص آن را برای شما توضیح می‌دهم :

مانند برف سفیده

کسی ندیده تاحالا

مثل  میشی

هیچ وقت مریض نمیشی

شیر تا بخوای مفیده

کاملتر از این غذا

بخوری  میشی

اگه هر روز بنوشی



حافظ



حنا خلی نابه قرآنی کشور است که رتبه اول حفظ قرآن در سی و هفتمین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم را کسب کرده است. وی اکنون نه سال دارد و حافظ کل قرآن کریم است.

پدرش می گوید: وقتی حنا به دنیا آمد تا سه سالگی روی بالشک‌هایی که قرآن پخش می‌کردند، می‌خوانید. بعد از آن متوجه شدیم که آیات و سوره‌ها را به‌خوبی از حفظ می‌خواند. او را به دارالقرآن فرستادیم تا ابتدا روخوانی و روان خوانی قرآن را یاد بگیرد. پس از آن، حفظ قرآن را شروع کردیم. حنا توانست در دو سال حافظ کل قرآن شود.

پدرش می گوید: وقتی دخترم را خدمت رهبر معظم انقلاب معرفی کردند، ایشان از دخترم خواست که از هر جای قرآن دوست دارد، از حفظ بخواند ولی حنا نخواند، چون دوست داشت که رهبر انقلاب سوال کند و دخترم پاسخ دهد.

سوچوان



آقا مختصری از سوره انعام را تلاوت کردند و حنا به ادامه آیات را قرائت کرد. حنا در این دیدار به مقام معظم رهبری قول داده است تا به زودی ترجمه کل قرآن را یاد بگیرد. حنا، در کنار حفظ و تلاوت قرآن کریم و انجام تکالیف درسی، ترجمه قرآن را نیز حفظ می کند و باقی مانده وقت خود را به خواندن توشیح و بازی می گذراند.



بزرگ مرد کوچک

زمانی که آیت الله خامنه‌ای برای شرکت در مراسمی از ساختمان ریاست جمهوری خارج می‌شد، متوجه سر و صدایی شد. کسی دائم فریاد می‌زد: «آقای رییس جمهور! آقای خامنه‌ای! من باید شما را ببینم»

شخصی گفت: «حاج آقا! یه بچه از اردبیل اومده اینجا و با شما کار واجب داره». آقا فرمود: «بذار بیاد حرفشو بزنه».

لحظاتی بعد پسری ۱۲-۱۳ ساله از بین محافظان خودش را به آقا رساند، صورت سرخ و سرما زده‌اش خیس اشک بود، آقا دستش را دراز کرده و با صدای بلند می‌فرماید: سلام بابا جان! خوش آمدی. اسمت چیه پسر؟



نوجوان با لبخندی بر لب گفت: آقا جان! من مرحمت هستم، از اردبیل تنها اومدم تهران که شما را ببینم و از شما یک خواهشی بکنم.

– بگو پسرم چه خواهشی؟

خواهش می‌کنم به روحانیون و مداحان دستور بدهید که روضه حضرت قاسم علیه السلام نخوانند!

– چرا پسرم؟

یک باره بغضش ترکید و گفت: «آقا جان! حضرت قاسم علیه السلام ۱۳ ساله بود که امام حسین علیه السلام به او اجازه داد برود در میدان بجنگد، من هم ۱۳ ساله‌ام ولی فرمانده سپاه اردبیل اجازه نمی‌دهد به جبهه بروم.

– با آقای ملکوتی (امام جمعه وقت تبریز) تماس بگیر بگو فلانی گفت این آقا مرحمت رفیق ماست، هر کاری دارد راه بیاندازید و هر کجا هم خودش خواست ببریدش، نتیجه را هم به من بگویید»

شهید مرحمت بالازاده، نوجوان ۱۳ ساله‌ای که توانست حکم جهادش را از حضرت آقا بگیرد و الگویی برای نوجوانان کشور عزیزمان باشد.

دو پرنده

جابر جُغفی همسفر با امام باقر علیه السلام رهسپار مکه شد. او به امام علاقه زیادی داشت و بارها از کرامت امام چیزهای عجیبی شنیده بود. او دوست داشت آن کرامات را از نزدیک ببیند تا این که روزی در بین راه دو پرنده سمت خیمه امام آمدند و مشغول سر و صدا شدند، خواست آن ها را بگیرد که ناگهان حضرت با صدای بلند، فرمود: ای جابر! آرام باش و پرندگان را به حال خود واگذار، آن ها به ما اهل بیت پناه آورده اند.

عرضه داشتم: مولای من! مشکل و ناراحتی آن ها چیست، که این چنین به شما پناهنده شده اند؟!

حضرت فرمود: آن ها در این حوالی لانه ای دارند و هرگاه تخم می گذارند تا جوجه شود، ماری می آید و جوجه هایشان را می خورد.

اکنون به من پناه آورده اند تا از خدا بخواهم، آن مار را به سزای عملش برساند؛ من نیز در حق آن پرندگان دعا کردم تا در امان قرار گیرند.





مواظب جریمه خدا باش

کتاب «مواظب جریمه خدا باش» به نویسندگی غلامرضا حیدری ابهری که دارای ۲۴ صفحه است، سعی دارد تصویری درست درباره معاد، نتیجه اعمال و جهنم به کودکان نشان دهد که توسط انتشارات قدیانی چاپ شده است.

بخشی از کتاب: در گذشته‌های دور، مرد گناهکاری بود که با همسایه مومن خود، خوش رفتاری می‌کرد و در سختی‌های یاری‌اش می‌داد. پس از مدتی، آن مرد گناهکار مرد. مأموران خدا او را به جهنم بردند؛ اما برایش خانه‌ای گلی ساختند که جلوی آتش جهنم را می‌گرفت. به او از غذاهای جهنمی نیز نمی‌دادند. غذایش را از جایی بیرون از جهنم برایش می‌آوردند. او از تاریکی و بوی بد و صداهای وحشتناک جهنم رنج می‌کشید، اما آتش جهنم به او نمی‌رسید...

دستاوردهای نظامی ایران اسلامی در سال ۹۴



۱- ربات مسلح

ربات مسلح بدون سرنشین که قابلیت کنترل از راه دور دارد و برای انجام ماموریت‌های شناسایی و رزمی برنامه‌ریزی شده است، می‌تواند حدود ۳۰۰ کیلوگرم محموله را حمل کند. می‌توانیم بر روی این ربات یک سلاح تیربار یا ۲ موشک پدافند هوایی یا ۲ موشک ضد تانک نصب نماییم.



۲- تانک فوق سبک تاکتیکی فلاق

این تانک با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در زمین‌های ناهموار و ۱۳۰ کیلومتر در جاده‌های هموار به‌منظور عملیات‌های شناسایی و رزمی حرکت می‌کند. مشخصات: تیربار اتوماتیک، حمل یک سرنشین، چهار تن وزن، شعاع عملیاتی ۴۰۰ کیلومتر

طلا شدن شن ها

برای استقبال از عده ای، همراه امام هادی علیه السلام به بیرون شهر سامرا رفته بودیم. امام، روی زمین و من مقابلش نشسته بودم. در حین صحبت، از تنگدستی و گرفتاری ام به ایشان شکایت کردم. در این هنگام، امام دست خود را به سمت شن های بیابان برد و یک مشت از آنها را به من داد و فرمود: ابو هاشم، این ها را بگیر و خرج زندگی ات بکن و آنچه را می بینی به کسی مگو !!!
شن ها را پنهان کردم.

وقتی به شهر برگشتم، دیدم آنچه که امام به من داده شن نیست بلکه طلاهای سرخ رنگی است که همانند آتش فروزان می درخشد. طلاسازی را به خانه آوردم و به او گفتم: برایم این طلاها را قالب بگیر.

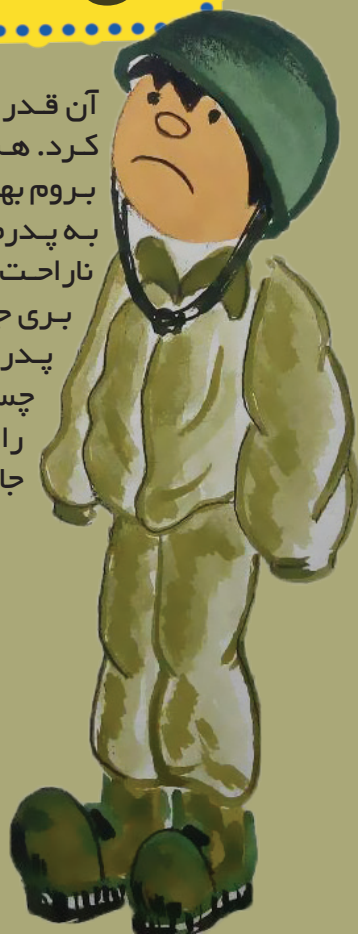
او به من گفت: من طلایی بهتر از این ندیده ام، عجیب تر این که طلاها به صورت دانه های شن هستند! این ها را از کجا آورده ای؟





می روم حلیم بخرم

آن قدر کوچک بودم که کسی حرفمو گوش نمی کرد. هر چی به بابا می گفتم می خواهم به جبهه بروم بهم توجه نمی کرد. مثل سریش چسبیدم به پدرم که آلا و بالله باید بروم جبهه. آخر سر ناراحت شد و فریاد زد: تو نیم وجبی می خواهی بری جبهه چه گلی به سرت بزنی پدرم، دست آخر که دید من مثل کنه به او چسبیده ام فریاد زد: آهای نورعلی، بیا این را ببر صحرا و آن قدر ازش کار بکش تا جاننش دربیاید!





نورعلی دوید طرفم و مرا بست به پالان الاغ و رفتیم صحرا. آن قدر کتکم زد که مثل نرم تنان مجبور شدم مدتی روی زمین بخزم و حرکت کنم. توی ده، مدرسه راهنمایی نبود. بابا، من و برادرم را که کلاس اول راهنمایی بود، آورد شهر و یک اتاق در خانه فامیل اجاره کرد و برگشت. مدتی درس خواندم و دوباره فکر رفتن جبهه افتادم. رفتم ستاد اعزام و آن قدر فیلم بازی کردم تا این که مسئول اعزام جان به لب شد و اسمم را نوشت.

روزی که قرار بود اعزام شویم صبح زود به برادرم گفتم: من میروم حلیم بخرم و زود برمی گردم. قابلمه را برداشتم و دم در خانه قابلمه را زمین گذاشتم و رفتم که رفتم.

درست سه ماه بعد از جبهه برگشتم. در این مدت از ترس حتی یک نامه برای خانواده نفرستاده بودم. سر راه از حلیم فروشی یک کاسه حلیم خریدم و رفتم خانه. برادرم در را باز کرد، وقتی حلیم را دید با طعنه گفت: چه زود حلیم خریدی و برگشتی! خنده ام گرفت. داداشم فریاد زد: نورعلی بیا که احمد آمده! با شنیدن اسم نورعلی چنان فرار کردم که کفشم دم در خانه جاماند!

برگرفته از کتاب رفاقت به سبک تانک صفحه ۱۱

حسود، هرگز نیاسود

دوست تو بهتر از تو شوت می‌کند؛ ولی تو بهتر از او ضربه سر می‌زنی. دوستت قدش بلندتره؛ ولی تو هم زور بازویت بیشتره. دوستت درس ریاضی‌اش بهتر از تو هست و تو هم درس علومت بهتر از اوست. خدا همه‌ی نعمت‌هایش را به یک نفر نداده است. او نعمت‌هایش را بین مردم تقسیم کرده است.

پس دلیلی ندارد که ما به هم حسودی کنیم. حسودی یعنی این که ما از دیدن نعمت‌های دیگران ناراحت شویم. یعنی اینکه از دیدن شادی و موفقیت دیگران غمه بخوریم. حسودی یعنی آرزو کنیم که خدا فلان نعمت را از دوست ما بگیرد. چه خوبه وقتی شیطان بخواهد ما را گول بزند، به جای حسودی کردن، خدا را صدا بزنیم و همان نعمت و بهترش را از خدا بخواهیم.

پیامبر اصلاً حسود نبود. حضرت محمد ﷺ به هیچ یک از بندگان خدا حسودی نمی‌کرد. اگر می‌دید خدا به کسی پول یا خانه‌ی زیبا یا اسب تندرو یا صدای قشنگ یا مزرعه‌ی بزرگ و پُر محصول داده، ناراحت نمی‌شد. او به یارانش می‌فرمود: از حسادت پرهیزید.

حالا بگو بینم حسودی یعنی چه؟



جدول

من در زندگی ام به داشته‌های خود قانع هستم و از زندگی خود شادمانم.

بچه‌ها، سلام!

امیدوارم همه شما خوب باشید و هیچ کسالتی نداشته باشید.
امروز را با چند سؤال آغاز می‌کنم

۱. در زمان جنگ رزمنده‌ها آب را داخل آن نگه می‌داشتند.

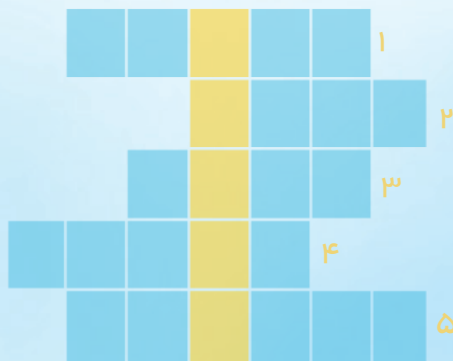
۲. پیامبر به این صفت معروف و مشهور بودند.

۳. نافرمانی و عصیان خداوند متعال.

۴. صفتی که پیامبران و امامان علیهم السلام را از مردم جدا می‌کند.

۵. دروغ نمی‌گویید.

رمز جدول



دوست عزیزم؛ سلام

لطفا نام و نام خانوادگی، شهرستان محل سکونت و مسجد خود را به همراه پاسخ سوالات زیر به سامانه پیامکی ۰۲۰۸۴۱۳۰۰ ارسال فرمایید تا در قرعه‌کشی و اهدای جوایز گوناگون شرکت نمایید.

سوال ۱ - رمز جدول بالا

سوال ۲ - بیت سوم شعر صفحه ۷

سوال ۳ - سوال صفحه ۸



توصیه رهبری به نوجوانان

✱ شما مثل فرزندان من هستید. من اگر بخواهم به بچه‌های خودم بهترین سفارش‌ها را بکنم، همین‌ی است که به شما عرض کردم، به آنها خواهم گفتم.

✱ قدر دلهای پاکتان را بدانید، چقدر این زلالی دل در دوره‌ی جوانی قیمت و ارزش دارد، که دیگر قابل برگشت هم نیست. این دل پاک و زلال را هرچه میتوانید، با خدا پیوند دهید و نزدیک کنید.

✱ اگر موفق شدید، تا آخر عمر زندگی سعادت‌مندانه‌ای خواهید داشت. که قدم اول آن ترک گناه و قدم دوم انجام واجبات می‌باشد؛ و از هم‌هی واجبات مهم‌تر نماز است.

